

بشنوید ای دوستان این داستان ورزشی گنه کرد در سیرجان باشگاه...

ساره میرحسینی

گزارش

ستند، کمی هم باید منطق سودآوری حاکم باشد یا نه؟ یعنی نباید ببینی چقدر سود اجتماعی برده‌ای و برای یک شهر چقدر اعتبار و اعتلای فرهنگی به ارمغان آورده‌ای؟!

خداوکیلی تا کنون فوتبال مردان برای شهر سیرجان جز فجایی مثل رای خریدن سلبریتی فوتبالی در انتخابات شورا، مشکلات سال‌های قبل و آبروریزی کشوری در برنامه زنده فردوسی‌پور و این آخری قمه‌کشی، چه عزت و اعتبار سراسری‌ئی و نتیجه‌ی سودمند اجتماعی‌ئی برای سیرجان به بار آورده است که به طور قانونی کلی پول فرای آن مشکلات به پای فوتبال بپاشی و در نهایت در این فرایند باد کاشتن، طوفان درو کنی؟!

این درحالی‌ست که باشگاه گل‌گهر عنوان فرهنگی را هم در کنار ورزشی بودنش یدک می‌کشد اما خرج فوتبال هفت دست و خرج فرهنگ هیچی! ایجاد کمی زیرساخت فرهنگی برای شهر بی‌امکانات سیرجان در کنار کمی تکاپوی آموزشی و فرهنگی حتماً شده در همان حوزه‌ی ورزش و اخلاق پهلوانی، کمترین کاری بود که در این سالیان سال می‌شد برای شهری دچار تاخر فرهنگی شده مثل سیرجان بکنند اما نکردند. این هم شد نتیجه‌اش. اما از آن طرف تیم فوتبال بانوان شهرداری سیرجان...

بشنوید ای دوستان این داستان

زیراب یک تیم فوتبال بانوان موفق کشوری و بومی سیرجان را می‌زنند اما برای تیم فوتبال عمدتاً غیربومی مردان با نتایج شکست‌آمیز که حتماً نام سیرجان را هم یدک نمی‌کشد، بدون هیچ اعتراضی نسبت به دست‌آورد نداشتنش برای سیرجان، میلیاردی هزینه می‌شود و این جدای از میلیاردها ریال یا تومان خرجی سال‌ها برای ماندن این تیم در لیگ برتر انجام شد! جالب آنکه اسمش هم مسوولیت اجتماعی معادن است و در نهایت از جیب سیرجان و سیرجانی می‌رود!

در مقابل آن تیم فوتبال بانوان سیرجانی قرار دارد که با سال‌ها مشقت و تلاش و سختی با پتانسیل‌های بومی شهرستان به جایگاه‌های خوبی در کشور و حتی آسیا رسیده بود اما تحمل نشد! چرا؟

ریشه‌های تفکر مرتجعی که دنبال زدن تیم فوتبال بانوان

شهرداری بود

در این چند سال و از پس موفقیت‌های بی‌شمار تیم فوتبال بانوان شهرداری سیرجان، دیده شد که برخی از رسانه‌ها اصل

دو خبر مهم و پی در پی فوتبال حرفه‌ای سیرجان در ماهی که گذشت اگرچه به هم مرتبط نبودند اما در کنه ماجرا پیوندی داشتند که گویای سیاست‌های اشتباه و وارونه در این عرصه مثل خیلی از عرصه‌های دیگر است.

از یک طرف مشکلی در مدیریت سابق باشگاه ورزشی گل‌گهر توسط مراجع قضایی اعلام شد و از سوی دیگر خبر کنار کشیدن شهرداری از باشگاه‌داری در شورای شهر درز کرد، آن هم انحلال تیم فوتبال بانوان سیرجانی که در این سال‌ها با موفقیت‌های پی در پی نام نیکی را برای سیرجان و شهرداری‌اش به ارمغان آورده بود! آدم با ربط دادن این دو خبر به هم یاد ضرب‌المثل گنه کرد در بلخ آهنگری، به شوشتر زدن گردن مسگری می‌افتد.

یک سو تیم فوتبال مردان بوده که با کلی هزینه کرد و بذل و بخشش و بریز و بپاش‌هایی مثل خرید بازیکن، تنها دستاوردش ماندن در لیگ برتر بوده و قرار هم نیست منحل شود. آن سوی دیگر تیم فوتبال شیر زنان سیرجانی‌ست که با هزینه‌های خیلی کمتر دستاوردهایی مثل قهرمانی را برای سیرجان به ارمغان آورده‌اند.

حالا چرا باید شهرداری سیرجان تیم فوتبال موفق خودش را دو دستی تقدیم یک باشگاه تقریباً ناموفق کند؟ جایزه‌ی شکست‌های باشگاه گل‌گهر است یا اینکه باشگاه گل‌گهر خیال کرده با خرید یک تیم موفق می‌تواند بنشیند سر سفره‌ی آماده؟!

بنابراین در اینجا جا دارد دو موضوع بررسی شود. یکی دستاوردهای باشگاه فرهنگی ورزشی گل‌گهر برای سیرجان و دیگری دستاوردهای باشگاه شهرداری سیرجان که مسوولین شهرداری مُصرند از آن خلاص شود و آن را به گل‌گهر واگذارد و پولش را بگذارد در جیب شهرداری.

سرمایه و هزینه میلیاردی، سود آورده تک تومنی

این همه پول در کشور و از جمله سیرجان به پای ورزش و آن هم فقط یک ورزش عامه پسند مردانه، ریخت و پاش و حیف و میل می‌شود، نفع اجتماعی‌ش چقدر بوده؟ نمی‌گویم اصلاً نفع اجتماعی نداشت و ندارد و انکار نمی‌کنم که محلی برای تخلیه‌ی هیجانات اجتماعی‌ست اما در جریان این داد و